

تحلیل و واکاوی حماسه در اشعار مهدی حمیدی شیرازی

سیده اشرف هاشمی، حمید طبسی*، نعمت اصفهانی عمران

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۱۰۰-۸۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7715>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: مهدی حمیدی شیرازی یکی از شعرای نامدار ادبیات فارسی معاصر است که بیشتر سروده‌های او بازتاب عشقی عمیق و ناکام است؛ اما در میان عاشقانه‌های وی اشعار وطنی، سیاسی و اجتماعی قابل توجهی از این شاعر بر جای مانده است تا جایی که میتوان گفت دغدغه احیاء غرور ملی و میهنی یکی از انگیزه‌های اصلی مهدی حمیدی در تمام دوران شاعری وی بوده است. در این پژوهش هدف اصلی نگارندگان تحلیل و واکاوی ابعاد حماسی اشعار مهدی حمیدی شیرازی و مشخص ساختن جایگاه و نقش وی در احیاء غرور ملی، دفاع از وطن و ملی‌گرایی ایرانیان است.

روش پژوهش: روش مطالعه در این جستار، به شیوه توصیفی - تحلیلی بر مبنای سندکاوی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع و پایگاه‌های مجازی معتبر و با تکیه بر منتخبی از اشعار مهدی حمیدی شیرازی میباشد. از میان مجموعه اشعار حمیدی شیرازی چهار مجموعه سالهای سیاه، اشک معشوق، پس از یکسال و دیوان شاعر مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گرچه بیشتر اشعار حمیدی شیرازی بر مدار عشق و وصف حال عاشق میگردد، اما وی شاعری است که به بنمایه‌های وطنی و مسائل اجتماعی و سیاسی عصر خویش توجه داشته است و عناصر حماسی را بویژه در سروده‌های سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار داده است.

نتایج پژوهش: نتایج پژوهش انجام گرفته نشان میدهد که حمیدی شیرازی بیشتر از نمادهای حماسی و اساطیری در منظومه سالهای سیاه جهت تحلیل و بررسی اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه خویش بهره برده است اما اوزان و لحن حماسی در منظومه‌های مورد بررسی چندان قابل توجه و تأمل نمیباشد. در برخی دیگر از اشعار که بنمایه‌های حماسی در آن وجود دارد شاعر نه به قصد ارائه مفاهیم وطنی، بلکه در قالب توجه به مسائل عاشقانه از ادبیات حماسی گذشته ایران بویژه شخصیت بیژن و منیژه بسیار بهره گرفته است.

تاریخ دریافت: ۲۹ تیر ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۳۰ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۱۵ شهریور ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۳۰ مهر ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

مهدی حمیدی شیرازی، حماسه، شعر معاصر، وطن.

* نویسنده مسئول:

h.tabasi49@iauji.ac.ir

۴۳۲۶۲۱۰۰ (۰۲۴ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis and Study of Epic in the Poems of Mehdi Hamidi Shirazi

S.A. Hashemi, H. Tabasi*, N. Esfahani Omran

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 19 July 2024
Reviewed: 20 August 2024
Revised: 05 September 2024
Accepted: 21 October 2024

KEYWORDS

Mehdi Hamidi Shirazi, epic, contemporary poetry, homeland.

*Corresponding Author
h.tabasi49@iauji.ac.ir
(+98 34) 43262100

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Background and Objective: Mehdi Hamidi Shirazi is one of the famous poets of contemporary Persian literature, most of whose poems reflect deep and failed love; however, among his romantic poems, there are significant patriotic, political, and social poems by this poet, to the extent that it can be said that the concern for reviving national and patriotic pride has been one of Mehdi Hamidi's main motivations throughout his poetic career. In this study, the main goal of the authors is to analyze and explore the epic dimensions of Mehdi Hamidi Shirazi's poems and to determine his position and role in reviving national pride, defending the homeland, and nationalism of Iranians.

METHODOLOGY: The study method in this paper is descriptive-analytical based on document research and information collection using library methods and referring to reliable sources and virtual databases, and relying on a selection of poems by Mehdi Hamidi Shirazi. Among the poems of Hamidi Shirazi, four collections of poems, Black Years, Tears of the Beloved, After a Year, and Diwan of the Poet, have been analyzed and evaluated.

FINDINGS: The research findings indicate that although most of Hamidi Shirazi's poems revolve around love and describing the state of being in love, he is a poet who has paid attention to patriotic themes and social and political issues of his era, and has paid attention to epic elements, especially in his political and social poems.

CONCLUSION: The results of the research show that Hamidi Shirazi has used more epic and mythological symbols in the poem "The Black Years" to analyze and examine the social and political conditions of his time, but the epic scales and tone in the poems under study are not very noticeable and thoughtful. In some other poems that contain epic themes, the poet has used the epic literature of the past of Iran, especially the characters of Bijan and Manijeh, not with the intention of presenting patriotic concepts, but in the form of paying attention to romantic issues.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7715>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 0	 4

مقدمه

حماسه را اشعار وصفی یا داستانهایی در توصیف اعمال پهلوانی، قهرمانیها، مردانگیها و افتخارات بزرگ و ارزشهای قومی و جمعی یک ملت دانسته‌اند که در اعصار مختلف به صورتهای گوناگون، در ادبیات ملل و اقوام گوناگون، متجلی شده است. این روایت‌های حماسی و سروده‌ها در قرون و اعصار متمادی در حقیقت تکیه‌گاه اصلی هویت ملل مختلف جهان بوده و هست. حماسه‌ها بیان‌کننده «آداب و ترتیب زیستن و سرانجام هستند که چگونگی مردن یک جامعه را در خلال جملات خود بازگو میکنند» (صفا، ۱۴۰۱: ص ۵). حال سؤال اصلی و اساسی آن است که آیا امروز در ادبیات معاصر نیز میتوان ردپایی از جنبه‌های حماسی یافت؟ در پاسخ به این پرسش لازم است بگوییم بی‌شک شعر و ادب معاصر فارسی نیز در برابر حوادث سهمگین، بیعدالتیها، لشکرکشیهای دشمنان، خفقان، استبداد و ... ساکت ننشسته و منفعل باقی نمانده است و آثار گوناگونی به ثبت رسیده که در لابه‌لای سطور خود، اندیشه‌ها و درونمایه‌های حماسی را مورد توجه قرار داده است گرچه در دنیای مدرن و حداقل پس از اثر سترگی مانند شاهنامه فردوسی و سایر حماسه‌های کهن طراز اول، زبان و ژانر حماسی شاید به‌گونه‌ای رنگ‌باخته باشد اما با همان کارایی و سیاق محتوایی مورد توجه و بازتولید قرار گرفته است. از اینجاست که شناخت محورهای اصلی حماسه‌های خلق شده در لابلای آثار شاعران معاصر و تحلیل خطوط اصلی فکری آنان قابل توجه است.

در دوران معاصر بویژه پس از انقلاب مشروطه و بفرآخور تغییر و تحولات و دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی مختلفی که در ایران پدید آمد، نگاه خاص شاعران و هنرمندان به مضامین و درونمایه‌های حماسی با تأسی از حماسه سترگ حکیم طوس، بسیار بیشتر شد. از سوی دیگر، مفاهیم و درونمایه‌های ملی و میهنی شاهنامه در تقویت روحیه همبستگی، ملی‌گرایی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با استعمار و استبداد، خردگرایی و ... بسیار نقش داشته و هر شاعری بفرآخور توان و استعداد شاعری خویش و شرایط سیاسی و اجتماعی عصر به بازآفرینی، یا حداقل بهره‌گیری از نمادهای حماسی دست یازیده و نوعی به حماسه عینیت و جانی تازه بخشیده است.

مهدی حمیدی شیرازی یکی از شاعران معاصر است که مخالفت‌هایش با شعر نیمایی بحث‌های بسیاری را بدنبال داشت و واکنش‌های مختلفی را برانگیخت؛ اما اگر به دیده انصاف بنگریم «جایگاه حمیدی را در شعر سنتی روزگار ما نمیتوان نادیده گرفت» (یوسفی، ۱۳۶۹: ص ۶۲۱). شفیعی کدکنی در خصوص سبک شعری حمیدی شیرازی معتقد است «اگر بخواهیم از شعر سنتی صد سال اخیر ایران سفینه‌ای فراهم آوریم، بعد از بهار و ایرج و پروین و شهریار، بیشترین حجم انتخاب از شعر حمیدی خواهد بود. حمیدی در عرصه‌های گوناگون سخن پارسی، شاعری ورزیده و توانا بود که در چندین قالب از قوالب شعر سنتی پارسی، شاهکارهای ارجمندی به یادگار گذاشت» (۱۳۹۶: ص ۱۸۹). گرچه عمده شهرت حمیدی شیرازی در عرصه غزل و عشق است و با شعر «اشک معشوق» به شهرت بسیاری دست یافت، اما جدا از این وجه غنایی و رمانتیسیم قوی، از بیان واقعیت‌های اجتماعی، میهنی و توجه به مفاخر و گذشته ایران و احیاء اساطیر و حماسه‌های کهن غافل نبوده است. وی با درک تلخ‌های جامعه و دست یازیدن به سنن حماسی گذشته در حقیقت سعی دارد اولاً به انتقاد از اوضاع موجود بپردازد و دوماً حس ملی - میهنی خویش را در قالب این شکوایه‌های سیاسی - اجتماعی بویژه در آثاری مانند «سالهای سیاه» به تصویر بکشد. موضوعاتی مانند وطن، وطن‌پرستی، مقابله با نفوذ بیگانگان، توجه به عدالت اجتماعی و نفی استبداد از جمله دغدغه‌های اصلی حمیدی شیرازی است که درونمایه برخی از اشعار وی را با بن‌مایه‌های حماسی آکنده می‌سازد. در این جستار با مروری بر عوامل سیاسی - اجتماعی که شعر حمیدی شیرازی را به سمت و سوی بهره‌گیری از عناصر حماسی سوق داده است، ضمن آشناسازی خواننده با اندیشه‌ها و شخصیت ادبی این شاعر و

ارائه تصویری روشن از آنچه که سبب بهره‌گیری و توجه وی از درونمایه‌های شعر حماسی و زنده ساختن اساطیر کهن شده است، به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهیم که مهمترین مؤلفه‌ها و گزاره‌های حماسی منعکس شده در شعر حمیدی شیرازی چیست؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجا که بیشتر بررسیها و پژوهشهای بعمل آمده در خصوص تحلیل و بررسی درونمایه حماسی در شعر معاصر بیشتر در حوزه شعر نیمایی انجام پذیرفته است، بایسته است در کنار چنین تحقیقات و پژوهشهایی به شاعران سنتی‌سرا در حیطه ادبیات معاصر نیز توجه نمود چرا که نمیتوان از تأثیر این قبیل شاعران در جریان شعری معاصر غافل بود؛ حمیدی شیرازی را اگر نتوان یکی از اصلیتترین شاعران سنتی‌سرا در دوران معاصر به حساب آورد، بیشک یکی از سرآمدان آن است که در برخی از اشعار خویش بمنظور احیاء حس ملی - میهنی و مبارزه با مشکلات سیاسی - اجتماعی عصر خویش یا بیان عواطف عاشقانه خود تلاش کرده بن‌مایه‌های حماسی کهن ایران زمین را زنده کند. این پژوهش از این رو که به شناسایی جایگاه و میزان موفقیت مهدی حمیدی شیرازی در به تصویر کشیدن بن‌مایه‌های حماسی ایران کمک مینماید، ضروری و لازم بنظر میرسد.

پیشینه پژوهش

در خصوص آثار، اندیشه و افکار مهدی حمیدی شیرازی تاکنون پژوهشهایی صورت گرفته است؛ هر چند این پژوهشها تنها بخشی از جنبه‌های فکری و شعری این شاعر معاصر را تحلیل و ارزیابی نموده و هنوز هم میتوان در خصوص ابعاد گوناگون شخصیت شعری وی سخن گفت، اما از میان تحقیقات علمی و آثار و کتبی که پیرامون وی تاکنون به چاپ رسیده و منتشر شده است میتوان به موارد زیر اشاره نمود. آثاری که نگارندگان در این جستار نیز آنها را مدنظر قرار داده و به نوعی در ارزیابی خود از برخی از این آثار بهره‌گرفته‌اند:

در کتاب «چشم‌انداز شعر نو فارسی» زرین کوب (۱۳۵۸) در فصل چهارم، به شعر معاصر و شاخصه‌های حماسی آن توجه شده است؛ این کتاب گرچه مطالب ارزنده‌ای در خصوص جریان حماسی در شعر نو و نیمایی دارد اما جهت تحلیل و ارزیابی حماسه در دوران معاصر خالی از فایده نیست.

نوروزی در کتاب «ادبیات معاصر از مشروطیت تا امروز» (۱۳۷۵) به زندگی، آثار، احوال و شخصیت مهدی حمیدی شیرازی و جایگاه وی به عنوان یکی از شاعران سنتی‌گرا در ادبیات معاصر توجه نموده است.

حاج سیدجوادی در کتاب «بررسی و تحقیقی در ادبیات معاصر ایران» (۱۳۸۲) مبحثی را به سبک زندگی و آثار مهدی حمیدی شیرازی اختصاص داده است.

علمداری در کتاب «نقد و تحلیل گزیده‌ای از آثار مهدی حمیدی شیرازی» (۱۳۸۳) نظر برخی از بزرگان ادبیات معاصر در خصوص شعر و شخصیت مهدی حمیدی شیرازی به همراه نمونه‌هایی از اشعار وی مورد ارزیابی قرار داده است.

خلیلی در کتابی با عنوان «شبی هم در آغوش دریا» (۱۳۸۷) در خصوص روانشناسی شخصیت حمیدی شیرازی از جمله

مسأله خودشیفتگی شاعر و انعکاس آن در اشعار وی به تفصیل سخن گفته است.

عرفانی و ماحوزی (۱۳۹۱) در مقاله «جایگاه تشبیهات تلمیحی در ساختار غنایی حمیدی شیرازی» تحلیلی بلاغی در ساختار اشعار عاشقانه حمیدی شیرازی را به انجام رسانده‌اند.

اکرمی و دهقانی (۱۳۹۳) در مقاله «نقد و بررسی تأثیر شعر غربی در شعر مرگ قوی حمیدی شیرازی» به این نتیجه رسیده‌اند که حمیدی شیرازی در سرودن شعر «مرگ قو» به اشعار غربی توجه داشته است و از فابل‌های ازوپ یا حکایت‌های «سولی پرودوم» فرانسوی بهره گرفته است.

محمدی و علوی (۱۳۹۷) در مقاله «بازتاب رخداد‌های سیاسی و اجتماعی در شعر حمیدی شیرازی» اشعار وطنی حمیدی شیرازی و دفاع از وطن و ذکر وقایع و فجایع استعمار حکومت‌های غربی، مفاهیمی چون انتقاد از حکومت وقت (پهلوی اول) و دفاع از آزادی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که حمیدی شیرازی برای نشان دادن مفاهیم سیاسی و اجتماعی بیشتر از نمادپردازی و تشبیه بهره گرفته است. در این مقاله بیشتر حوادث سیاسی و اجتماعی دوران زندگی شاعر تحلیل شده است و به لحاظ نوع تحلیل با پژوهش پیش رو متفاوت است.

پارسائی جهرمی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مشخصه روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو با رویکرد روانکاوی» مشخصه روانی تسلیم‌ناپذیری را در شعر حمیدی شیرازی در بررسی تطبیقی با شاملو مورد توجه قرار داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که انواع جلوه‌های تسلیم‌ناپذیری در شعر حمیدی شیرازی وجود دارد که در قالب نحوه گزینش واژگان و آرایه‌های ادبی شعر وی تأثیر به‌سزایی گذاشته است.

عزیزی جیرآبادی و دیگران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی در دوره معاصر با نگاهی به مجموعه شعر ماه در مرداب پرویز ناتل خانلری و سالهای سیاه مهدی حمیدی شیرازی» ناهنجاریهای اجتماعی، خفقان سیاسی، عدم آزادی بیان و درد و رنج مردم را در دو شعر موردنظر از خانلری و حمیدی شیرازی مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

پیرامون مهدی حمیدی شیرازی، سبک فکری و اوضاع و احوال زمانه در روزگار وی

مهدی حمیدی شیرازی (۱۲۹۳ - ۱۳۶۵) در شهر شیراز به دنیا آمد. آثار منتشر شده از وی شامل دفترهایی چون «عصیان»، «شکوفه‌ها»، «شاعر در آسمان»، «فرشتگان زمین»، «سالهای سیاه» و «اشک معشوق» می‌باشد. از میان مجموعه اشعار وی دو مجموعه «شکوفه‌ها» و «سالهای سیاه» بیشتر دربرگیرنده مضامین وطنی، انتقادی، سیاسی و اجتماعی هستند. از حمیدی شیرازی آثار دیگری چون «عروض حمیدی»، «فرشتگان زمین» «عشق در به در» و «سبکسریهای قلم» به نثر برجای مانده است. کتاب ارزشمند «شعر در عصر قاجار» و «شاهکارهای فردوسی» نیز از دیگر آثار وی می‌باشد. حمیدی شیرازی در تیرماه سال ۱۳۶۵ در شیراز چشم از جهان فرو بست و در حافظیه شیراز به خاک سپرده شد.

در توصیف هنر شاعری وی غلامحسین یوسفی در کتاب چشمه روشن آورده است: «شاعری است سریع‌التأثیر و آتشین طبع و نستوه با واکنش‌های روحی شدید در برابر هر چه بر او میگذرد، از عشق و دوستی و محبت یا بی وفایی و مخالفت گرفته تا موضوعات اجتماعی» (۱۳۶۹: ص ۶۲۲). حمیدی با شعر نو مخالفت داشت. اسماعیل حاکمی در خصوص سبک شاعری حمیدی شیرازی می‌گوید: «از میان پنجاه شاعر شرکت‌کننده در کنگره شاعران و نویسندگان در سال ۱۳۲۵ تنها سه تن اشعاری خواندند که با اصول و قواعد شعر قدیم تفاوت اساسی داشت. این افراد عبارت بودند از نیما، منوچهر شیبانی و جواهری و در همانجا شاعری در قصیده خود به نیما دشنام داد [که حمیدی شیرازی بود]» (حاکمی، ۱۳۵۳: ص ۲۶). حمیدی در دفاع از شعر سنتی، با شعر نو مخالف بود و همین

امر انتقادهای بسیاری را در جامعه ادبی آن روزگار برای او بدنبال داشت. «در آن ایام همه جوانان چپگرا خواهی نخواهی طرفداران و عاشقان سینه چاک شعر نو بودند و حمیدی را تکفیر میکردند. سنت‌گرا و کهنه پرستش میخواندند و از نشر آثارش با تمام نیرو جلوگیری میکردند. شعر او، سخن او، هنر او، در زیر پرده تبلیغات و تهدیدات نوگرایان مدفون شد. کتابفروشان جرأت فروختن کتابهای او را نداشتند و ناشران از نشر آثارش طفره میرفتند. در سالهای آخر حمیدی ناشناخته مانده بود» (نوروزی، ۱۳۷۵: ص ۲۹۳). اما ملک‌الشعرا بهار پس از آنکه یکی از مجموعه اشعار وی یعنی «دفتر شکوفه‌ها» را میبیند، نظر خود را درباره وی چنین بیان میکند: «من حمیدی را به نیکی میشناسم و هنگامی که دوره دانشکده ادبیات را طی میکرد با او از نزدیک آشنا بودم. اگر زمانه با او بسازد و روح شاعر از گزند حوادث در امان بماند، او یکی از شاعرانی خواهد شد که تاریخ ادبیات فارسی نظیر او را کمتر دیده است» (همان: ص ۲۹۵). اگر از سر انصاف و بدور از غرض به اشعار حمیدی بنگریم، شعر او از جهت محتوا هم رنگ غنایی دارد و هم صبغه سیاسی و اجتماعی. گرچه اغراض شعری او بیشتر عشق و توجه به ظاهر شعر و وزن و قافیه و لفظ است اما اشعار پر مغزی نیز دارد که از استواری و صلابت خاصی برخوردار است.

گرچه سبک شعری حمیدی شیرازی بیشتر به شیوه قدما و سخن‌سرایان سبک خراسانی است اما هر جا که عشق و عاطفه به او فرصت و مجال برای دگر سرودن داده است با بهره‌گیری از زبان نمادین، تصاویر گوناگون و تخیل شاعرانه وضعیت ایران آن روزگار را به تصویر کشیده است. «مهدی حمیدی شیرازی از هواخواهان بسیار پابرجای شعر کهن فارسی بود و از بیرقداران اصلی جدال سنت و تجدد در دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ او در نظم و نثر و سخنرانیهای خویش در این دوره از هر گونه انتقاد و حمله صریح و تند به نیما یوشیج و شاعران نیمایی خودداری نمیورزید البته شاعران نوگرا نیز بشدت او را در معرض انتقاد و حمله متقابل قرار میدادند. با این همه، حمیدی در بهره‌یابی از ساختار قدیم شعر در سروده‌هایش توانایی، تحر و استادی فراوان داشت» (عابدی، ۱۴۰۲: صص ۱۷-۱۸). پیروی از سبک قدما را میتوان یکی از شاخصه‌ها و ویژگیهای اصلی شعر حمیدی شیرازی بشمار آورد (بهار و دیگران، ۱۴۰۲: ص ۴۳). داریوش صبور در توصیف ویژگی شعری وی گفته است: «حمیدی بیگمان یکی از پرکارترین شاعران پارسی در قرن معاصر و از نام‌آوران آنان است که اشعار او را از قصیده و غزل و قطعه و دیگر گونه‌ها حدود چهل هزار بیت میتوان دانست. تحلیل و نقد شعر حمیدی و بررسی ویژگیهای سخن وی به همان اندازه دشوار است که گلچینی و گزینشی از میان اشعار او. زبان حمیدی در شعر بسیار روشن و شسته و چون شاعران خراسان همراه با سادگی و گویایی و شیوایی است. با این حال برخی از تعبیرهای دلنشین او از آگاهی کامل به دقایق شعر و حدت ذوق و باریکی و ظرافت اندیشه او حکایتها دارد و گواهی بر استادی و فرزاندگی او در سرودن شعر است» (صبور، ۱۳۸۰: ص ۳۳۱). حمیدی در اشعاری که مضامین حماسی در آنها غلبه دارد با همان صراحت و صداقتی که از عشق سخن میگوید، از وطن خویش دفاع میکند.

امیری فیروز کوهی از معاصران حمیدی درباره قدرت قریحه و شعر حمیدی دیدگاه قاطعی دارد و میگوید: «حمیدی از مبدأ فطرت، شاعری بسیار قوی با ملکه فصاحت ذاتی و فصاحت کلامی بدنیا آمده است و این ملکه ذاتی او با ملکه اکتسابی او که عبارتست از لامحاله چهل سال مطالعه در متون شعر فارسی از قرن اول الی یومنا هذاه، در وی ملکه ثالثی ایجاد کرده که به اعتقاد من برای بسیاری از شعرای بزرگ مقدور نیست. در تمام دیوان او شما با ابیات سست و نابهنجار و ضعف ترکیب و ضعف تألیف و تعقید زیاد برنمیخورید. همه اشعارش یکدست، متوازن، موزون و دارای موسیقی است» (ماحوزی و عرفانی، ۱۳۹۲: ص ۳۳۵).

نخستین سالهای زندگی حمیدی شیرازی مصادف بود با پایان حکومت قاجار و انتقال حکومت به پهلوی، حمیدی

همواره بر نحوه حکومت‌داری و اداره مملکت از سوی دو حکومت پهلوی اول و دوم معترض بود؛ چنانکه در اعتراض به سیاستهای آنان و وعده‌های دروغین در خصوص اصلاح امور از سوی این دو حکومت سروده‌های بسیاری دارد:

گر وطن خانه آسایش مرد و زن است
 اینک ما است بگویند کجایش وطن است
 وطن اینجاست که پاکان همه اینجا بندند؟
 وطن اینجاست که آزاد همان راهزن است؟
 این وطن شد که در آن هر کس دیوانه و دزد
 خانه سالار و خداوند و سر انجمن است؟
 این وطن شد که در آن بر مزه شرب امید
 تن بیچاره چو مرغ است که بر بابزن است
 (حمیدی، ۱۳۲۵: ص ۱۱۱)

در حقیقت شعر حمیدی شیرازی به جز عاطفه، عشق و تغزل، انعکاس و برآیندی است از حوادث سیاسی و اجتماعی و فضای خفقان‌آلود دوران شاعری و حیات وی که زمینه را برای برانگیختن احساس ملی - میهنی و روی آوردن وی به درونمایه‌های حماسی فراهم آورد. حمیدی در مقدمه کتاب «سالهای سیاه» میگوید در این مجموعه اشعار با نگاه عمیق و نافذ به مذاقه بپردازید چرا که در لا به لای آنها نکات سیاسی و اجتماعی بسیاری به تصویر کشیده شده است (ر.ک حمیدی شیرازی، ۱۳۲۵: ص ۷). اوج دوران شاعری حمیدی شیرازی مصادف بود با تحولات و رخدادهای گوناگون سیاسی ایران در دهه بیست دورانی که انتقال قدرت از حکومت پهلوی اول به دوم و فضای پرتنش پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر بسیاری از شاعران تأثیر گذاشت. «ایران در این دوران دستخوش تحولات سیاسی و در هولناکترین وضع خود بود» (عاقلی، ۱۳۷۱: ص ۸۷). در شعر «لالایی غم‌انگیز» از مجموعه «سالهای سیاه» این اوضاع اسفبار را با متوسل شدن به نمادهای حماسی ایران کهن چنین بتصویر میکشد:

خاکی که به یاد آرد آوای نکیسا را
 امروز تو پنداری فریاد حزینستی
 زیر لگد دشمن مانا شکمی بینم
 کش رستم و روئین تن دو طفل جنینستی
 یک روز به زیبایی بر حلقه نگین بودی
 نقشی که کنون گویی در حلقه نگینستی
 (حمیدی، ۱۳۲۵: ص ۷)

حمیدی در شعر «زمستان مرگ» که در سال ۱۳۲۱ آن را سرود با مقدمه‌ای که اوضاع و احوال آن روزگار را تفسیر میکرد میگوید: «این شعر حکایت از روزهایی میکند که تاریکترین و حیرت‌انگیزترین و مخوفترین دقایق جنگ بر ایران میگذشت، در این سالها ایران بجز عده محدودی بجای گندم، پهن میخوردند و در عوض لباس، پلاس میپوشیدند و بجای قند و چای، خون دل آشامیدند و به اقتضای سیاست مرموزی که پیروی از این فلسفه میکرد که "سگ را گرسنه نگاه دار تا از تو پیروی کند" تقریباً با گرسنگی به سر بردند. انگلیسیها پی در پی کامیونهای پر از گندم را از کانادا می‌آوردند زیرا مملکت فلاحتی ایران، گندم نداشت و پی در پی در روزنامه‌های معلوم‌الحال اثر این بخشش منعکس میشد و این منت را ابواب جمع ایران میکرد» (همان: ص ۷۷). حال و هوای این اوضاع اسفبار با نمادهای کهن و حماسی در این شعر از حمیدی قابل مشاهده است:

خزان است و روز برهنه تنی است
 نبرد است و پیکار اهریمنی است
 کتابیون خورشید، پوشیده قیر
 زده خیمه بهمن، ز مشکین حریر
 فرورفته در ابر خرگاه ماه
 دگرباره افتاد بیژن به چاه
 (همان: ص ۷۸)

تحلیل و بررسی

گونه‌های بکارگیری حماسه در شعر حمیدی شیرازی

مضامین حماسی: نخستین دسته از اشعار حمیدی شیرازی که مضامین حماسی در آنها مطرح شده است، سروده‌هایی است که شاعر در آنها از دیدگاه اجتماعی به حوادث عصر و زمان خویش مینگرد و نگاه متفاوت او به مشکلات و دغدغه‌های جامعه، سبب زنده شدن حماسه‌های کهن در قالب شخصیت‌های انسانی و پهلوانی گذشته میشود. در این اشعار، حمیدی از زاویه دید افرادی که قربانی ظلم، تبعیض، بیعدالتی و استعمار حکومت و دولتهای متجاوز و متخاصم شده‌اند با مخاطب سخن میگوید. این اشعار بنوعی مرامنامه و «مانیفست»ی است که نشان میدهد حمیدی از چه زاویه‌ای به حماسه مینگرد؛ شعر حمیدی شیرازی در راستای حفظ و حراست از تصاویر آرمانی خود برای دفاع از تمامیت میهن، دفاع از مردم در برابر خفقان موجود و... مورد استفاده قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه در شعر «سالهای سیاه» حمیدی اوضاع و احوال آشفته و متشنج ایران در سالهای ۱۳۲۱ و اشغال کشور توسط نیروهای متفقین را با فضاسازی حماسی و در بحر «متقارب مثنی محذوف» بشیوه شاهنامه حکیم طوس، مورد توجه قرار داده است:

نبرد است و پیکار اهریمنیست	خزان است و روز برهنه تنیست
به پیچیده گردون به خزّ کبود	ز دامان دریا برون جسته دود
بتاریکی چرخ بسته میان	تن مهر پوشیده در پرنیان
هوا چون پشوتن برآورده شور	شده چشم رویین تن دهر کور
زده خیمه بهمن ز مشکین حریر	کتایون خورشید پوشیده قیر
دگر باره افتاد بیژن بچاه	فرورفته در ابر خرگاه ماه
به کاووس گلبن تبه کرده خواب	ز جا جسته بادی چو افراسیاب
بسوگ چمن گشته سوسن بنفش	نگون کرده گل کاویانی درفش
جهان زیر زاغ سیه دامنست	به باغ اندرون جیش اهریمنست
بهر گلبنی خورده بشکسته باد	بتاراج گلبن کمر بسته باد
دو چشم یتیمان تر و چشمه خشک	زمین و هوا زیر کافور و مشک
نمانده است از خرمی خوشه‌ای	روان گشته سیلی ز هر گوشه‌ای
بدنبال نانست و پیراهنست	کنون بوستانبان برهنه تنست

(حمیدی شیرازی، ۱۳۲۵: ص ۷۸)

صدای حمیدی در این شعر، صدای غمناک مردمانی است که خزان هولناک و سرد نه لباسی برای بر تن پوشیدن دارند و نه نانی برای خوردن، پایان شعر تصویر دردناکی است از قحطی و ویرانی ایران در بحبوحه جنگ جهانی و استمداد جستن شاعر از عناصر حماسی چون تلمیح به داستان بیژن و منیژه، افراسیاب، درفش کاویان و... بمنظور آنکه یادآوری کند ایران در روزگاری دور و دراز عظمتی شکوهمند داشته است. آنچه که حمیدی شیرازی در توصیفات حماسی مورد توجه قرار میدهد عظمت پیروزی و کشورگشایی نیست، بلکه نگاه او به مردم و جامعه‌ای است که قربانی تبهکاریهای حاکمان است از این رو کاربرد عناصر حماسی در شعر او، فخامت بیان فردوسی و حماسه‌سرایان دیگر را ندارد و به نظر میرسد تنها مرهمی است بر جان آشفته شاعر و پیکر زخم خورده اجتماع:

شعله ابری است یا آه یتیم یا که خون دیده‌ اسفندیار
یا تو گویی هر زمان سهراب چرخ خون فشاند از دو چشم اشکبار
شد سوار ابر سیه از پشت دهر یا پدیدار آمده سام سوار
ابر رستم بر ستیغ دیو کوه برنشسته همچو شاهی کامکار
(همان: ۱۰۴)

آنچه که حمیدی شیرازی از اوضاع و احوال سیاسی ایران در قالب بنمایه‌های حماسی و اساطیری میسراید ارتباط تنگاتنگی با شرایط سیاسی ایران دارد. «پس از ورود متفقین به ایران و اشغال موقتی نقاطی که منظور آنها بود، برای اولین بار در طی این جنگ در آذربایجان، آتش فتنه و فساد سرکشید و زمزمه‌های خطرناک و موحشی، دلهای ایرانیان پاک را بلرزه انداخت؛ [قصیده پیام آذربایجان] در آن هنگام از [حمیدی شیرازی] در یکی از روزنامه‌های آذربایجان منتشر شد و با اقبال بسیاری مواجه گشت» (حمیدی شیرازی، ۱۳۲۵: ص ۱۹). زمانه پرتکاپوی دوران جوانی حمیدی شیرازی بویژه مبارزاتی که در اقصا نقاط ایران علیه پهلوی و نیروهای اشغالگر متفقین در حال انجام بود، فرصتی فراهم آورد تا این شاعر عاشق و پر احساس در عمل به تجربه اشعار میهنی و ملی دست یازد:

اگر دست جهان مرده روزی جسم و جان گیرد ز ایرانی نیارد خاک آذربایجان گیرد
همه ایرانیان شیرند و آنجا بیشه شیران بریزد خون آنکو بیشه از شیر ژبان گیرد
جهانی گر بهم ریزد که ارکانش بجنباند غریو شیر مردانش به یک جنبش جهان گیرد
گهر پرورده تبریز تو جان کشورهایی ترا ایران به سر پیوسته چون تاج کیان گیرد
از آن بر تاج ایرانی که هم تاجی هم ایرانی ترا این آسمان همواره جای فرقدان گیرد
در ایران هفتخوانها هست و رستم نیز میداند که گیرد دست کاووس آنکه خود این هفتخوان گیرد
(همان: ۲۰ - ۲۱)

حمیدی با بهره‌گیری از نمادهای اساطیری و حماسی سعی در زنده ساختن مفاهیم، اندیشه‌های کهن ایران زمین دارد؛ وی در توصیف گذشته درخشان ایران زمین میگوید:

چون غیاث‌الدین کسی دارد چو فردوسی کسی علم بر ایسر نهاده شعر بر ایمن همی
ای جهان! ایران ما ایران ما بازیچه نیست بیشه شیر است و مهد مرد شیر اوژن همی
تکه خاکی بس گلوگیر است زیرا اندر آن خرده تیغ رستم است و خنجر بیژن همی
(همان: ۴۶)

شعر «لالایی غم‌انگیز» در دفتر «سالهای سیاه» با مخاطب قرار دادن سردمداران ایران، وضعیت اسفبار و نابسامان ایران روزگار خویش را توصیف میکند و در سوگ آنچه که از دست رفته، چاره‌ای نمی‌یابد جز پناه بردن به گذشته‌های درخشان حماسی و تاریخی این سرزمین:

خاکی که به یاد آزاد آوای نکیسا را امروز تو پنداری فریاد حزینستی
زیر لگد دشمن مانا شکمی بینم کش رستم روئین تن دو طفل جنینستی
یکروز بزبایی بر حلقه نگین بودی نقشی که کنون گویی در حلقه نگینستی
ور تیغ عرب درد پهلوی سپر خسرو صد خسرو کاغذ در پهلوش دفینستی
(همان: ص ۷۰)

حمیدی در مضامین انتقادی، اجتماعی و میهنی که سروده است به فضا سازی نیز دست میزند و به زیبایی هر چه تمامتر حال و هوای حماسه را در شعر خود زنده میسازد:

خزان است و روز برهنه تنیست	نبرد است و پیکار اهریمنیست
شده چشم رویین تن دهر کور	هوا چون پشوتن برآورده شور
کتایون خورشید پوشیده قیر	زده خیمه بهمن ز مشکین حریر
نگشته پراکنده جیش تموز	نخوابیده کاووس گلبن هنوز
به باغ اندرون جیش اهریمن است	جهان زیر زاغ سیه دامن است

(حمیدی شیرازی، ۱۳۲۵: ص ۷۸)

که باغ استعاره‌ای از میهن و «جیش اهریمن» و «زاغ سیه» استعاره از رژیم حاکم پهلوی است. حمیدی در توصیف شرایط آشفته زمانه و روزگار خویش با بهره‌گیری از نمادهای اساطیری و حماسی مانند نابینا شدن چشم کاووس به دست دیوان مازندران و ارتباط این موضوع به بی‌بصیرتی مردم روزگار، پیوندی هنرمندانه برقرار میسازد:

چشم کاووس جهان بیدار شو بیدار شو	چند نابینا ز مکر دیو در مازندرانی
----------------------------------	-----------------------------------

(همان: ص ۱۷)

و یا:

گرچه گشته است این زمان رخساره‌ام چون سندروس	از شرف بایست کوبم بر سر افلاک کوس
ز آنکه بهر نان نبردم منت از گبر و مجوس	پیش کس قد خم نکردم گرچه بودی اشکبوس

(همان: ص ۱۰۸)

که «اشکبوس» نمادی از دشمنان و متجاوزان است. حمیدی بخوبی میداند که وطن از اصلیت‌ترین درونمایه‌های اشعار حماسی است. «یکی از عمده‌ترین مسائل عاطفی [وطن] است که حوزه گسترده‌ای از تأملات انسان را در دوران ما بخود مشغول داشته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ص ۱۷). حمیدی در اشعاری مانند امواج سند، وطن‌گرایی خود را به تمام معنا نشان میدهد. شعر «در امواج سند» از جمله عالیترین نمونه‌های اشعار حماسی حمیدی شیرازی است. چهارپاره‌ای که تداعی‌گر رشادتها و دلاوریهای ایرانیان و سلطان محمد خوارزمشاه در برابر تاراج مغول است (باحقی، ۱۳۸۱: ص ۱۸۷). داستانی بلند که با فضا سازی مناسب و تصاویر قابل توجه، حس میهن پرستی و عشق به آب و خاک و دفاع از تمامیت کشور را بتصویر میکشد. فضای شعر، واژگان انتخابی شاعر و روایت بلند داستانی آن همگی حکایت از حال و هوایی حماسی دارد:

به مغرب سینه مالان قرص خورشید	نهان می‌گشت پشت کوهساران
فرومیرخت گردی زعفران رنگ	به روی نیزه‌ها و نیزه داران

بخوناب شفق در دامن شام	بخون آلوده ایران کهن دید
در آن دریای خون در قرص خورشید	غروب آفتاب خوشتن دید

میان گردهای تیره چون میغ زبانهای سنان برق میزد
 نهمان میگشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی
 در آن تاریک شب میگشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی
 (حمیدی، ۱۳۹۰: ۳۴۰ - ۳۴۲)

حمیدی در شعر در امواج سند با انتخاب بحر متناسب (هزج)، لحن حماسی بسیار خوبی را برای بیان رشادتها و دلوریهای ایرانیان در مقابل حمله مغول برگزیده است. انتخاب لحن مناسب در کنار عاطفه شعری قوی، درونمایه این شعر را هر چه بیشتر حماسی ساخته است. لازم بذکر است تصویری که از روایت مبارزه جلالالدین منکبرتی (۶۳۹ ه.ق) در برابر مغولان در «امواج سند» ارائه شده است تصویری است که نخستین بار زیدری نسوی منشی جلالالدین خوارزمشاه در کتاب «سیرت جلالالدین منکبرتی» مورد توجه قرار داده است. «در واقعه نبرد سند، نسوی در کنار جلالالدین نبوده و بر اساس شنیده‌هایش این ماجرا را روایت کرده است. در این روایت به پسر کشته شده سلطان اشاره میشود و در ادامه، ماجرای به آب انداختن خانواده سلطان روایت شده است... حمیدی شیرازی در شعر در امواج سند [در سال ۱۳۳۰] برای توصیف این حادثه میگوید که جلالالدین خودش برای انداختن خانواده‌اش در آب [و برنتابیدن ننگ اسارت آنان بدست مغولان] پیش قدم میشود؛ چون احتمال میدهد که در جنگ شکست بخورد» (خدایار و سالاروند، ۱۴۰۳: ص ۲۰۴).

عناصر حماسی در خدمت بیان عاشقانه: چنانکه گفتیم گرچه عصر حمیدی شیرازی، عصر و زمانه اسطوره‌گرایی و پرداختن به شخصیتهای حماسی و اساطیری نیست اما شاید بتوان بجزأت گفت حمیدی شیرازی یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر است که در تصویرپردازی خود جهت بیان مضامین عاشقانه و غنایی، از اساطیر و حماسه‌های کهن بهره گرفته است. احاطه کامل و بسیار زیاد او به شخصیتهای شاهنامه و داستانهای ملی و حماسی، سبب شده است وی در عاشقانه‌های خویش نیز بزیبایی هر چه تمامتر از این عناصر حماسی و اساطیری بهره برده است. «از فواید کاربرد [عناصر] اساطیری و حماسی در شعر حمیدی، پی بردن به رفتار و کردار و شخصیت این قهرمانان و الگوپذیری مناسب از رفتار آنان است. مثلاً شخصیتهایی چون رستم، سیاوش، آرش و... نماد قهرمانی و دلوری و پاک‌ی و میهن‌دوستی هستند و اسطوره‌هایی مانند ضحاک و سودابه نماد زشتی و پلیدی نفس و هوی و هوس» (عرفانی و ماحوزی، ۱۳۹۱: ص ۳۱). حمیدی شیرازی از تصویرسازیهای حماسی نه تنها در جهت بیان مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی عصر خویش بهره گرفته است، بلکه گاه این نمادهای حماسی در جهت القا عنصر عاطفه و بویژه در اشعار عاشقانه وی نمود یافته است:

این قصه خود منیژه نیکو داند من بیژنم که در چه تزویرم
 راستی را بر من، ای منیژه این تویی؟ آنکه مرد در چشم بیژن بوسه بر گرگین تویی
 ننگ نام دختر افراسیابی ز آنکه او خون گرگین خورد و تو خون دل بیژن زدی
 (همان: ص ۱۷۷)

نمادینگی داستان رستم: حمیدی گاه بدنبال ناجی و جهان‌پهلوانی مانند رستم است تا او را از ورطه هولناک و

چاه تاریک عشق نجات دهد:

نیاید گر بدیدارم تهمتن منیژه وای بر من وای بر من
(همان: ص ۱۷۲)
تهمتن، ای تهمتن ای دست کین و انتقام کی کشی گیسو کشانم بر فراز مدفنم
(همان: ص ۱۲۵)

تشبیه رقیب به گرگین:

ای منیژه خنده کن با دشمن دیرین بخواب گر چه بیژن ز عشقت مرد با گرگین بخواب
(همان: ص ۱۷۷)

تشبیه شاعر به اسفندیار در مقاومت و رویین‌تنی:

من آن پهلوان مرد رویین تنستم که پروایی از تیر رستم ندارم
من آن آسمانی سروش خدایم که فخری به حوا و آدم ندارم
(همان: ص ۲۸۶)

دیگر شخصیتها:

آخر ای زال فلک سیمرغ سازیها بس است ای بهمن خجسته من اندکی بیای
ای بامداد خیره سفند مه مسوز بر مرگ خویش جای پشوتن نمای من
(همان: ص ۲۰)

زال روئینم که جانفرمایی بند بلا را گر بمیرد رستمی پروایی از بهم ندارم
(همان: ص ۱۱۰)

بیژنم کاندز نبرد از نوک تیغ جانشکاری جان نستهین کشم باکی ز نستهین ندارم
(حمیدی شیرازی، ۱۳۶۶: ص ۱۰)

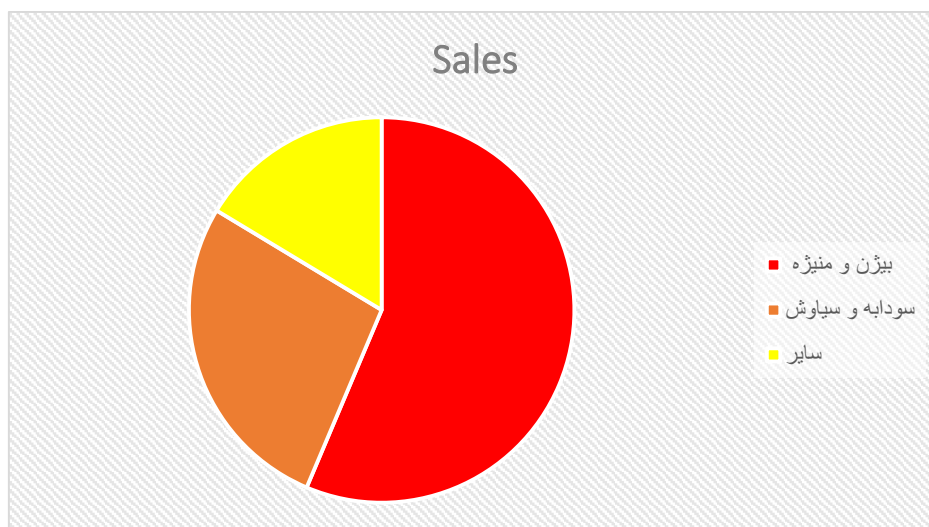
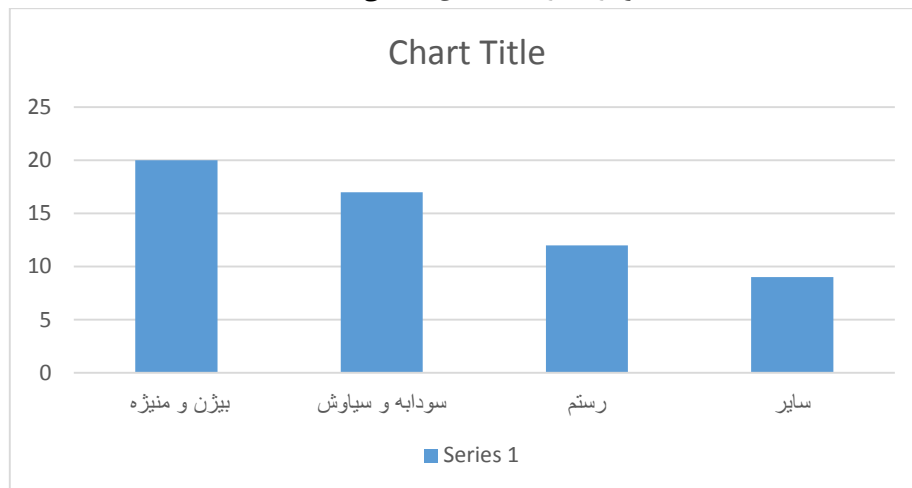
خنجر گرسیوزم چون سیاوش خون بریزد من سیاوش عزیزم اوستاد من تویی
چشم جز بر حيله سودابه پر تن ندارم اینک اینک خنجر گرسیوزم است این گردنم
(همان: ص ۱۲۵)

از میان درونمایه‌های حماسی عاشقانه و غنایی، حمیدی شیرازی بیشتر به داستان بیژن و منیژه توجه نموده است. توصیف شرایط سخت عاشق به گرفتار شدن در چاه بیژن دلیل اصلی این نوع از تصویرسازیهاست:

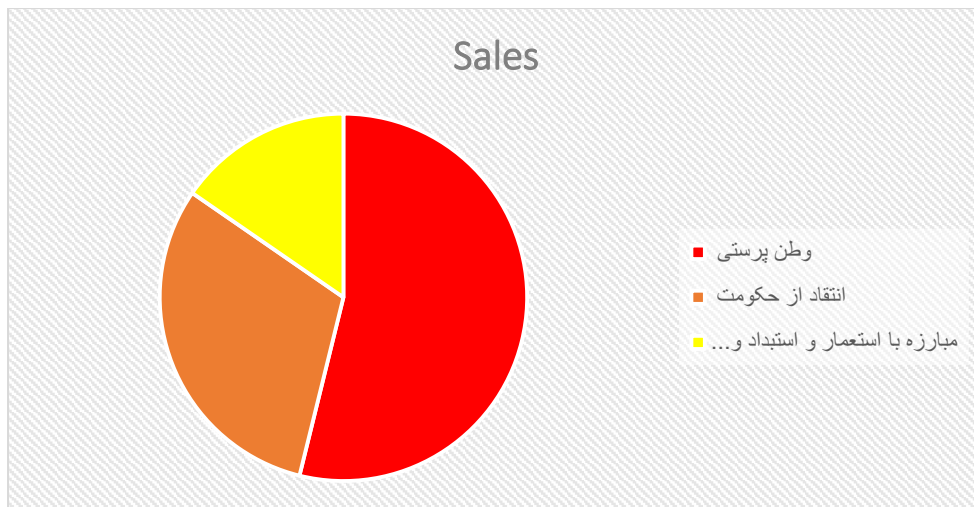
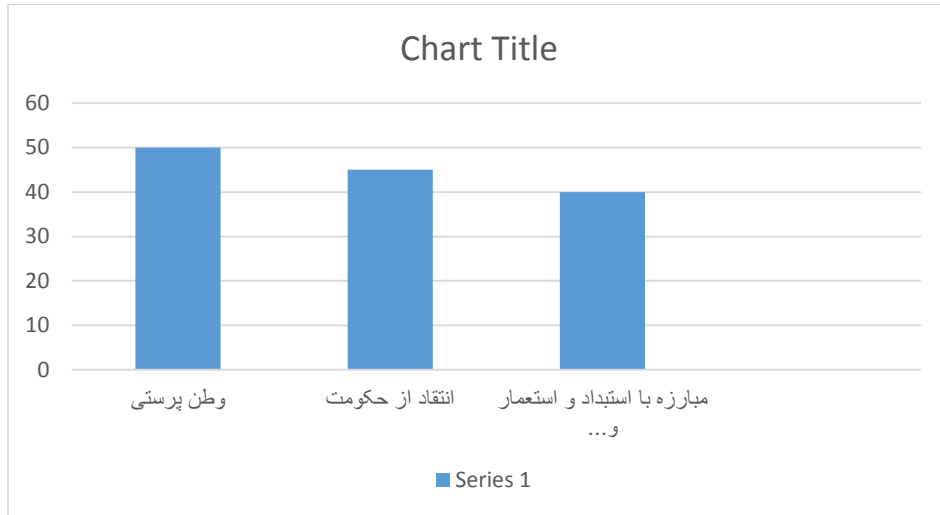
اگر همچو بیژن درافتم به چاهی منیژه صفت غمگسار منی تو
(حمیدی شیرازی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۷)

چاه دارم تیرگی دارم بلا و بند دارم جز منیژه در جهان چیزی کم از بیژن ندارم
(همان: ص ۱۲۶)

نمودار شماره ۱. نمادهای حماسی عاشقانه



نمودار شماره ۲. نمادهای حماسی اجتماعی سیاسی



از میان مجموعه‌های حمیدی شیرازی، منظومه سالهای سیاه بیشترین میزان توجه به مفاهیم وطنی و حماسی را داراست. ریاحی در یکی از یادداشتهای خود مینویسد: «محال است که کسی قطعات کشور خدایان، گهواره دانش، انعکاس افکار ایرانیان، دایگان از مادر مهربانتر، فروردین خون‌آلود، لالایی غم‌انگیز، حکایت نای ایران چه میگوید... را از کتاب سالهای سیاه بخواند و به یاد فشار اجانب و محرومیتها و ناکامیهای ایران مظلوم و ستمکش اشک نریزد و دلش از کینه و انزجار نسبت به بیگانه‌پرستان سرشار نگردد» (نوروزی، ۱۳۷۵: ص ۹۱).

لحن اوزان حماسی در اشعار حمیدی

موسیقی بیرونی (وزن) «هر گونه نظم و انسجام ساختارمند در یک واحد کامل است که بصورت خاص در وزن شعر نمود پیدا میکند؛ یعنی نظم خاصی که در یک مجموعه آوایی بلحاظ کوتاهی و بلندی مصوتها یا ترکیب صامتها و مصوتها وجود دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ص ۵۲). موسیقی درونی در یک شعر زمانی که با آهنگ کوبنده و حماسی همراه میشود، در تداعی حس حماسی نقش مهمی را ایفا میکند. منظور از وزن حماسی آن نیست که الزاماً شعر در بحر خاصی مانند بحر متقارب سروده شده باشد - که با بررسیهای انجام شده بعنوان مثال در دیوان حمیدی شیرازی تنها ۳ شعر در بحر متقارب وجود دارد - چرا که میدانیم بعنوان مثال مثنویهایی مانند بوستان از بحر متقارب استفاده نموده است، اما بوستان را نمیتوان اثری حماسی بشمار آورد. از این رو نمیتوان قاعده‌ای از پیش تعیین کرد اما با توجه به نوع مطالب طرح شده در هر شعر، برخی از اوزان خواه ناخواه میتوانند به انتقال بهتر و بیشتر حماسه کمک نمایند. حمیدی شیرازی گاه از وزنهایی استفاده کرده است که لحن حماسی را تقویت مینماید و شعر را مستحکم جلوه میدهد؛ چرا که در زبان فارسی معمولاً مصوت‌های بلند آوای خاصی دارند و شدت و قوت آنها، صلابت کلام را بیشتر میکند؛ حمیدی گاه اوزانی را بکار میگیرد که هجاهای بلند آن زیاد است مانند «فعولن فعولن فعولن» یا همان «بحر متقارب مثنم سالم»:

چو بر رخس اندیشه زین میگذارم قدم در بهشت برین میگذارم
(حمیدی شیرازی، ۱۳۹۰: ص ۳۲۱)

بحر متقارب مثنم محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل)

اگر چنگ در کام اژدر کنی وگر چشم بر نوک خنجر کنی
(همان: ص ۸۵)

در مجموع با توجه به بررسیهای بعمل آمده در مجموعه‌های مورد بررسی از حمیدی شیرازی موسیقی بیرونی اشعار وی چندان در راستای القای لحن و مضامین حماسی موفق عمل ننموده است و اوزانی که در آنها هجاهای بلند نسبت به هجاهای کوتاه بیشتر باشد، چشمگیر و قابل توجه نبود.

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): مقصود از موسیقی کناری، آهنگ و طنینی است که حاصل تکرار واژگان پایانی شعر است. از طبیعتیترین جلوه‌های موسیقی کناری در شعر فارسی میتوان به قافیه و ردیف اشاره نمود. قافیه بویژه در شعر حماسی در انعکاس فضای حماسی نقش مؤثری دارد و سبب غنای بیشتر میشود. شفیعی کدکنی در خصوص نقش قافیه در شعر پانزده نکته اساسی را مطرح مینماید و نخستین کارایی آن را چنین تعریف میکند: «اولین نقش مهم و اساسی قافیه نقش موسیقایی آن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ص ۶۲). این موسیقی هم در نقش خود سبب ایجاد طنین دلنشین در کلام میشود هم کل ابیات را تحت تأثیر خود قرار میدهد و سبب غنای آن میشود. میزان استفاده از آواها و اصوات بلند و کشیدگی هجاها در ایجاد و القای حس و حال و لحن حماسی در اشعار حمیدی شیرازی چندان قابل توجه نیست. در مجموع اشعار یاد شده از سه مجموعه اشک معشوق، سالهای سیاه و پس از یکسال ۲۷ / ۲ درصد از قافیه‌ها در القای فخامت و سنگینی لحن حماسی اثرگذار بوده است:

خاک من ای خانه نوشیروان بارگه مردم نوشین روان
مولد آزادی و آزادگی مدفن آزادگی و سادگی

آنچه که مسلم است آنکه حمیدی شیرازی چندان توجهی به نقش واژه‌ها و مصوت‌های بلند در القای حس حماسی در اشعار خویش نداشته است و حتی در شعری مانند «در امواج سند» نیز که تماماً درونمایه‌ای وطنی و حماسی دارد، از این ویژگی بهره‌چندانی نگرفته است:

شبی آمد که می‌باید فدا کرد	به راه مملکت فرزند و زن را
به پیش دشمنان استاد و جنگید	رهاند از بند اهریمن وطن را
در این اندیشه‌ها میسوخت چون شمع	که گردآلود پیدا شد سواری
به پیش پادشه افتاد بر خاک	شهنشه گفت آمد؟ گفت آری

(امواج سند)

در مجموع و به عنوان نمونه در این ابیات که حکایت از نبرد سلطان خوارزمشاه با سپاهیان مغول دارد، موسیقی بیرونی و درونی در القا حس حماسی چندان موفق عمل ننموده است.

نتیجه‌گیری

حماسه یکی از انواع کهن ادبی است و در دوران معاصر نیز این گونه ادبی در بستر شرایط اجتماعی و سیاسی همچنان به حیات خود ادامه داد و رگه‌هایی از اشعار حماسی در سروده‌های شاعران معاصر چون حمیدی شیرازی نیز قابل ردیابی است. حمیدی شیرازی از شاعرانی است که به مضامین حماسی در لابلای اشعار عاشقانه خود روی آورده است. حمیدی برای این کار عناصر حماسی را بیشتر در قالب مضامین، درونمایه‌ها و نمادهای حماسی بکار برده است. در میان مجموعه اشعار وی «دفتر سالهای سیاه» بیشترین حجم از توجه به نمادها و مضامین حماسی را در دفاع از وطن، مبارزه با استبداد، استعمار، حضور بیگانگان در کشور، ناتوانی حکومت‌های وقت، خفقان، نبود آزادی، تاراج و غارت مملکت و... نشان داده است. از میان دیگر عناصر حماسی مانند لحن، موسیقی بیرونی، موسیقی درونی و آواهای حماسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نمادپردازی با شخصیت‌های حماسی و اساطیری چون رستم، اسفندیار رویین‌تن، بیژن، گسته‌م، افراسیاب و... در توصیف اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چند حمیدی شیرازی عناصر حماسی را در قالب دفاع از وطن و حس میهن‌پرستانه بکار برده است اما وی را نمیتوان شاعری حماسی بشمار آورد.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت استخراج شده است. جناب آقای دکتر حمید طبسی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. جناب آقای دکتر نعمت اصفهانی عمران بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم سیده اشرف هاشمی، پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهدۀ نویسنده مسؤل است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abedi. Kamiyar (2023). Mehdi Hamidi Shirazi: poet and lover. Second edition. Tehran: Jahan Kitab Cultural-Art Institute, pp. 17-18.
- Agheli. Bagher (1992). Daily history of Iran from the constitution to the revolution. C1. Tehran: Tehran University Press, p. 87.
- Akrami. Mirjalil and Dehghani. Massoud (2013). Criticism of the influence of western poetry in Hamidi Shirazi's poem "Death of a Swan". Scientific Research Journal of Persian Language and Literature (former publication of Faculty of Literature, University of Tabriz). 67(229).23-41.
- Alamdari. Mehdi (2013). Criticism and analysis of selected works of Mehdi Hamidi Shirazi. Tehran: Raja.
- Azizi Jirabadi. Betul et al. (2023). Analysis of political and social complaints in the contemporary period with a look at the collection of poems Mah in Mardab Parviz Natal Khanleri and Mahdi Hamidi Shirazi's Black Years. Analysis and interpretation of texts and the language of Persian literature (Deh Khoda). Volume 15. Number 55. pp. 504-520.
- Bahar. Fateme and others (2023). "Reflection of basic human needs in Mehdi Hamidi Shirazi's and Fereydoun Moshiri's poems based on William Glaser's choice theory". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylology (Bahar Adeb). Volume 16. Number 90, pp. 55-39.
- Haj Seyedjavadi. Hassan (2003). Review and research in contemporary Iranian literature. Tehran: Iran Researchers Group.
- Hakemi. Esmail (1974). Contemporary Iranian literature. Tehran: Amirkabir, p. 26.
- Hamidi Shirazi. Mahdi (1946). Black years. Tehran: Rangin.
- Hamidi Shirazi. Mahdi (2008). lover's tears Shiraz Navid Shiraz
- Hamidi Shirazi. Mahdi (2011). after a year Tehran: Atai.
- Hamidi Shirazi. Mahdi (2011). Divan Hamidi Tehran: Atai.
- Jafari Qaryehali. Hamid and Zare. Maryam (2011). "Hamidi Shirazi in the mirror of his works". Persian language and literature quarterly, Islamic Azad University of Mashhad. No. 32. pp. 219-249.
- Khalili. Mohammad (2008). A night in the embrace of the sea: criticism and analysis and excerpts of Mehdi Hamidi Shirazi's poems. Tehran: Sokhn.

- Khodayar. Ebrahim and Salarvand. Atefeh (2024). Analytical comparison of how to narrate the life of Jalaluddin Khawarizmshah in historical and literary texts: representation of the narrative of the Battle of Sindh, 618 lunar year. *Literary textual research*. Volume 28, Number 99, Pages 193-222.
- Mahuzi. Mahdi and Erfani. Mustafa (2013). Mehdi Hamidi Shirazi's influence on previous poets. *Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylology (Bahar Adab)*. sixth year Number one. Series 19. pp. 331-355.
- Mohammadi. Mohtsham Alavi, Bashir. (2017). "Reflection of political and social events in Hamidi Shirazi's poetry". *Journal of Poetry Research (Bostan Adeb) of Shiraz University*. 3. pp. 1-166.
- Norouzi. Jahanbakhsh (1996). *Contemporary literature from constitutionalism to today*. Shiraz Pathfinder pp. 295-293.
- Parsaei Jahromi. Sara et al. (2021). Reflecting the psychological characteristic of intransigence in the poems of Mehdi Hamidi Shirazi and Shamlou (with a psychoanalytical approach). *Literary interdisciplinary researches*. pp. 89-120.
- Saboor. Dariush (2003). *On the Infinite Limits: A Look at Contemporary Persian Poetry of Contemporary Literature*. Second edition. Tehran: Sokhn, p. 331.
- Safa. Zabihullah (2022). *Epic writing in Iran*. 12th edition Tehran: Amirkabir, p. 5.
- Shafi'i Kadkani. Mohammad Reza (1994). *Poetry music*. 15th edition Tehran: Agha, p. 52.
- Shafi'i Kadkani. Mohammad Reza (2010). *The old perception of the homeland*. Bukhara No. 75. pp. 45-15.
- Shafi'i Kadkani. Mohammad Reza (2016). *Aesthetics of Hamidi's poetry*. Bukhara Year 20, No. 120, pp. 185-191.
- Yaghi. Mohammad Jaafar (2002). *Stream of Moments: Currents of Persian Contemporary Literature: Poetry and Prose*. Tehran: Jami, p. 187.
- Yousefi. Gholamhossein (1990). *bright spring* Tehran: Elmi, pp. 621-622.
- Zarinkob. Hamid (1979). *Perspectives of New Persian Poetry*. Tehran: TOS, pp. 123-126.

فهرست منابع فارسی

- اکرمی. میرجلیل و دهقانی. مسعود (۱۳۹۳). نقد و بررسی تأثیر شعر غربی در شعر «مرگ قو»ی حمیدی شیرازی. *مجله علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی* (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز). ۶۷(۲۲۹). ۲۳-۴۱.
- بهار. فاطمه و دیگران (۱۴۰۲). «بازتاب نیازهای بنیادین انسان در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و فریدون مشیری با تکیه بر نظریه انتخاب ویلیام گلسر». *نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی* (بهار ادب). دوره ۱۶. شماره پیاپی ۹۰. صص ۳۹ - ۵۵.
- پارسائی جهرمی. سارا و همکاران (۱۴۰۰). بازتاب مشخصه روانی تسلیم‌ناپذیری در اشعار مهدی حمیدی شیرازی و شاملو (با رویکرد روانکاوی). *پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی*. صص ۸۹-۱۲۰.

جعفری قریه‌علی. حمید و زارع. مریم (۱۳۹۰). «حمیدی شیرازی در آینه آثارش». فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره ۳۲، صص ۲۱۹ - ۲۴۹.

حاج سیدجواد. حسن (۱۳۸۲). بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران. تهران: گروه پژوهشگران ایران.

حاکمی. اسماعیل (۱۳۵۳). ادبیات معاصر ایران. تهران: امیرکبیر، ص ۲۶.

حمیدی شیرازی. مهدی (۱۳۲۵). سالهای سیاه. تهران: رنگین.

_____ (۱۳۹۰). پس از یکسال. تهران: عطایی.

_____ (۱۳۸۷). اشک معشوق. شیراز. نوید شیراز.

_____ (۱۳۹۰). دیوان حمیدی. تهران: عطایی.

خدایار. ابراهیم و سالاروند. عاطفه (۱۴۰۳). مقایسه تحلیلی چگونگی روایت زندگی جلال‌الدین خوارزمشاه در متون تاریخ‌نگارانه و ادبی: بازنمایی روایت نبرد سند، ۶۱۸ قمری. متن‌پژوهی ادبی. دوره ۲۸، شماره ۹۹، صص ۱۹۳ - ۲۲۲.

خلیلی. محمد (۱۳۸۷). شبی هم در آغوش دریا: نقد و تحلیل و گزیده اشعار مهدی حمیدی شیرازی. تهران: سخن.

شفیعی‌کدکنی. محمدرضا (۱۳۷۳). موسیقی شعر. چاپ پانزدهم. تهران: آگاه، ص ۵۲.

_____ (۱۳۸۹). تلقی قدما از وطن. بخارا. شماره ۷۵، صص ۱۵ - ۴۵.

_____ (۱۳۹۶). جمال‌شناسی شعر حمیدی. بخارا. سال ۲۰، شماره ۱۲۰، صص ۱۸۵ - ۱۹۱.

زرین کوب. حمید (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: توس، صص ۱۲۳-۱۲۶.

صبور. داریوش (۱۳۸۲). بر کران بیکران: نگاهی به شعر معاصر فارسی ادبیات معاصر. چاپ دوم. تهران: سخن، صص ۳۳۱.

صفا. ذبیح‌الله (۱۴۰۱). حماسه‌سرایی در ایران. چاپ دوازدهم. تهران: امیرکبیر، ص ۵.

عابدی. کامیار (۱۴۰۲). مهدی حمیدی شیرازی: شاعر و عاشق. چاپ دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، صص ۱۷ - ۱۸.

عاقلی. باقر (۱۳۷۱). روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۸۷.
عزیزی جیرآبادی. بتول و همکاران (۱۳۴۰۲). تحلیل شکوائیه‌های سیاسی و اجتماعی در دوره معاصر با نگاهی به مجموعه شعر ماه در مرداب پرویز ناتل خانلری و سالهای سیاه مهدی حمیدی شیرازی. تحلیل و تفسیر متون و زبان ادبیات فارسی (دهخدا). دوره ۱۵، شماره ۵۵، صص ۵۰۴-۵۲۰.

علمداری. مهدی (۱۳۸۳). نقد و تحلیل گزیده‌ای از آثار مهدی حمیدی شیرازی. تهران: رجا.

ماحوزی. مهدی و عرفانی. مصطفی (۱۳۹۲). تأثیرپذیری مهدی حمیدی شیرازی از شاعران پیشین. فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ششم. شماره اول. پیاپی ۱۹، صص ۳۳۱ - ۳۵۵.

محمدی. محتشم و علوی، بشیر. (۱۳۹۷). «بازتاب رخدادهای سیاسی و اجتماعی در شعر حمیدی شیرازی». مجله شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز. ۳، صص ۱۶۶-۱.

نوروزی. جهانبخش (۱۳۷۵). ادبیات معاصر از مشروطیت تا امروز. شیراز. راهگشا. صص ۲۹۵ - ۲۹۳.

یا حقی. محمدجعفر (۱۳۸۱). جویبار لحظه‌ها: جریانهای ادبیات معاصر فارسی: نظم و نثر. تهران: جامی، صص ۱۸۷. یوسفی. غلامحسین (۱۳۶۹). چشمه روشن. تهران: علمی، صص ۶۲۱ - ۶۲۲.

معرفی نویسندگان

سیده اشرف هاشمی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

(Email: ashrafhashemi4531@gmail.com)

(ORCID: 0009-0008-1630-0872)

حمید طبسی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

(Email: h.tabasi49@iauji.ac.ir: نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0006-2249-7494)

نعمت اصفهانی عمران: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

(Email: nematesfehaniomran@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-9457-5790)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Seyedah Ashraf Hashemi: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

(Email: ashrafhashemi4531@gmail.com)

(ORCID: 0009-0008-1630-0872)

Hamid Tabasi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

(Email: h.tabasi49@iauji.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0009-0006-2249-7494)

Nemat Esfahani Omran: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

(Email: nematesfehaniomran@gmail.com)

(ORCID: 0000-0002-9457-5790)